

♦ دانشگاه مسئولیت‌پذیر و چشم‌انداز آن در آموزه‌های دینی

سهراب مروتی^۱

امیر فتاحی^۲

فرحناز وحیدنیا^۳

چکیده

هدف: پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که: بر پایه آموزه‌های دین اسلام، چه چشم‌اندازی برای نهاد دانشگاه مسئولیت‌پذیر قابل ترسیم است که مسیر دستیابی به جایگاه شایسته این نهاد الهی را برای ما روشن و هموار سازد؟ **روش:** این پژوهش با روش کتابخانه‌ای- اسنادی به تحلیل محتوای کیفی انجام گرفته است. **یافته‌ها:** پژوهش حاضر، دانشگاه مسئولیت‌پذیر را نهادی با سه مشخصه ذاتی یا سه مؤلفه بنیادین هویت علمی، هویت دینی و خدمتگزاری معرفی می‌کند و با طراحی چشم‌انداز مطلوب آن، که متشکل از شاخصهای دانایی، توانایی، نیکویی و زیبایی است، به الگوسازی و ترسیم پیکر و چارچوب اسلامی‌اش پرداخته است. **نتیجه‌گیری:** از آنچه گزارش شد به دست می‌آید که جریان تعلیم و تربیت در دانشگاه مسئولیت‌پذیر به گونه‌ای است که هر فردی در مسیر آن قرار گیرد، متصف به صفات دانایی، توانایی، نیکویی و زیبایی می‌شود.

واژگان کلیدی: چشم‌انداز، دانشگاه، دانشگاه مسئولیت‌پذیر، مسئولیت‌پذیری.

♦ دریافت مقاله: ۹۱/۰۷/۲۰؛ تصویب نهایی: ۹۱/۱۱/۱۳

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث؛ دانشیار دانشگاه ایلام.

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول) / آدرس: ایلام؛ خیابان پژوهش. دانشگاه ایلام، دانشکده الهیات / نصاب:

۰۸۴۱۲۳۳۷۰۱۴ / Email: amirfatahi313@yahoo.com

۳. دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد؛ عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

الف) مقدمه و بیان مسئله

از آنجا که آینده‌نگری و ترسیم چشم‌انداز، مهم‌ترین عامل برای تحقق مأموریتها و هدفهاست و برنامه‌های عملیاتی از طریق طراحی افقهای روشن و انجام فعالیتها بر مبنای این طراحی محقق می‌شوند، دانشگاه نیز برای دستیابی به جایگاه آرمانی خویش، نیازمند آینده‌نگری و ترسیم چشم‌انداز است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که متأسفانه با وجود اهمیت این موضوع، تحقیقات توصیفی زیادی در مورد ترسیم چشم‌انداز دانشگاه مسئولیت‌پذیر انجام نشده است، بلکه اغلب تحقیقات در این زمینه، سعی در تبیین دیدگاهها، موانع و چالشهای پیش رو و احیاناً راهکارهای تحقق دانشگاه اسلامی داشته‌اند و دیدگاهها پیرامون این جنبه مهم، به صورت کلی و گذرا مطرح شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

مخبر و همکاران بر این باورند که: ما نیازمند ترسیم و تصویر چشم‌اندازی از دانشگاه اسلامی هستیم که مسائل اساسی را چه در محتوا و چه در ساختار شکل بدهد و اگر از جهت بُعد زمانی به مسئله نگاه کنیم، نیازمند تنظیم مراحل و زمان‌بندی‌های مشخص هستیم که ابتدا و انتهای آن و میزان دستیابی به نتایج پیش‌بینی شده در آن، تا حد زیادی واضح و روشن باشد. برای ترسیم سیمای دانشگاه اسلامی، اولین و مهم‌ترین مسئله مورد نیاز ما، یافتن روشها و متدولوژی‌های تنظیم‌کننده نسبت میان علم و دین در رشته‌های گوناگون است. (مخبر و همکاران، ۱۳۷۶: ۷۸-۷۷)

از دیدگاه مقیسه، دانشگاه اسلامی در دو بُعد شکلی و محتوایی قابل تصور است؛ شکلی یعنی انطباق جلوه‌ها، ظواهر و مناسبات حاکم بر دانشگاه و دانشگاهیان و محتوایی؛ یعنی دست‌کم در حوزه علوم انسانی، مبنا و خاستگاه اصلی، متون معتبر اسلام و فرهنگ دینی باشد. (مقیسه، ۱۳۸۴: ۹۰)

همان‌گونه که اشاره شد، نظرات نامبرده اغلب به صورت کلی و بدون تبیین شاخصهای اسلامی چشم‌انداز مطرح شده است. متأسفانه عدم تبیین صحیح و صریح چشم‌انداز این نهاد، نه تنها آسیبها و آفات جبران‌ناپذیری به شاکله جریان اسلامی‌سازی دانشگاه وارد ساخته، بلکه در بین سطوحی از نظریه‌پردازان، تصور موضع بی‌تفاوتی دین نسبت به این امر مهم را به وجود آورده است! این در حالی است که دین اسلام در برنامه هدایتی خود از شاخص «تَبَيَّنًا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹) برخوردار است. از سویی، آینده‌نگری و عاقبت‌اندیشی را از مهم‌ترین مبانی تصمیم‌گیری معرفی می‌کند؛ چنانچه مولای متقیان حضرت علی(ع) در خصوص آینده‌نگری به فرزندشان امام حسین(ع) می‌فرمایند: «مَنْ تَوَرَّطَ فِي

دانشگاه مسئولیت‌پذیر و چشم‌انداز آن در آموزه‌های دینی ♦ ۸۹

الْأُمُورِ بِغَيْرِ نَظَرٍ فِي الْعَوَاقِبِ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلنَّوَابِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۹۰)؛ هر کس بدون نگرش به عواقب در ورطه کارها درآید، خود را در معرض مصائب و مشکلات نهاده است. از سوی دیگر، این دین انسان‌ساز نیز در عرصه فرهنگ علم‌آموزی و تحصیل دانش از غنای کم‌نظیری برخوردار است و مشوق خیزش به سمت و سوی فرهنگ علم‌آموزی و دانش‌پروری است: «اطُّبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۱۷۷). حتی طلب دانش را امری واجب معرفی می‌کند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۰). لذا با در نظر داشتن نقش هدایت‌گرانه دین و اهمیت آینده‌نگری در تصمیم‌گیری‌ها و نیز ارزش و منزلت فرهنگ دانشجویی از دیدگاه دین اسلام، نمی‌توان موضع بی‌تفاوتی را به اسلام نسبت داد.

بنابر این، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که: بر پایه آموزه‌های دین اسلام که همانا قرآن کریم و سیره پیامبرگرامی اسلام (ص) و ائمه هدی (ع) می‌باشد، چه چشم‌اندازی برای نهاد دانشگاه مسئولیت‌پذیر قابل ترسیم است که مسیر دستیابی به جایگاه شایسته این نهاد الهی را برای ما روشن و هموار سازد؟

ب) ویژگی‌های بارز دانشگاه مسئولیت‌پذیر

بیان ویژگی‌ها و مؤلفه‌های دانشگاه مسئولیت‌پذیر می‌تواند تصویر دقیق‌تر و ملموس‌تری از این عنصر را به تصویر بکشد. در حقیقت؛ اگر این مؤلفه‌ها با هم ترکیب شوند، شاید برآیند آنها را بتوان به تعریف اولیه دانشگاه مسئولیت‌پذیر تعبیر کرد. در ادامه، بارزترین این ویژگی‌ها بیان می‌شود:

۱. هویت علمی

اولین ویژگی دانشگاه مسئولیت‌پذیر این است که هویت علمی - به مفهومی که الان در دنیا مطرح است - و نیز خلاقیت و نوآوری پژوهشی را در خودش به عنوان یک صفت برجسته داشته باشد. اگر سخن از وظیفه و مسئولیت دانشگاه در میان باشد، فصل علمی او در رأس مسئولیتها قرار دارد. قرآن کریم، واماندگان از مسیر هویت علمی و دانشجویی را در ردیف چهارپایان قلمداد می‌کند: «وَمِنَ النَّاسِ وَالِدَوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (غافر: ۲۷). همچنین آیه شریفه به این مطلب اشاره می‌کند که تنها اهل علم به مقام خشیت و ترس از مسئولیت توأم با درک عظمت مقام پروردگار نایل می‌شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۲۴۷)

مقام معظم رهبری نیز بُعد علمی را مهم‌ترین بُعد در دانشگاه اسلامی معرفی می‌کنند و معتقدند اگر این حیطه فاسد شد، هر چند که دانشگاه در دیگر ابعاد خویش خوش بدرخشد، با وجود آنکه اسمی از دانشگاه را یدک می‌کشد، دیگر این اسم، مسمایی نخواهد داشت... دانشگاه بی‌دانش، فقط یک گاه است! باید علم باشد؛ یعنی واقعاً در دانشگاه هر چه ممکن است بایستی روی مسئله علم تکیه کرد و به علم واقعاً بها داد. (بیانات در دیدار با اعضای ستاد انقلاب فرهنگی ۱۳۶۲/۱۰/۲۷)

البته در دل این بحث و در دل این مشخصه، توانمندی‌های پژوهشی دانشگاه، به روز بودنش در ارتباط با دنیا و دانشهای روزافزون بشری وجود دارد. فرق است بین مجموعه‌ای که عده‌ای در آن درس می‌خوانند اما توان برجسته در زمینه تولید علم نداشته باشند، با مجموعه‌ای که یک سری علوم در آنجا تدریس می‌شود و در ضمن تدریس، تولید و در ضمن تولید، تحقیق می‌شود. این چنین دانشگاهی از نظر علمی مستقل است. اگر دانشگاهی این ویژگی را نداشته باشد، دانشگاهی وابسته است و دانشگاهی مسئولیت‌پذیر نیست.

همان‌گونه که اشاره شد، آنچه امروز به فصل مهم هویت علمی دانشگاه اهمیت بیشتر می‌بخشد، موضوع ضروری تولید علم است. البته وقتی سخن از علم در دانشگاه به میان می‌آید، منظور نه هر علم، بلکه مقصود علم نافع و خیررسان است. مبنای این ادعا، آموزه‌های اسلامی است که از مولای متقیان در کلام گهربارشان آمده است که فرمودند: «وَاعْلَمُ أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَا يُنْفَعُ - وَ لَا يُنْتَفَعُ بِعِلْمٍ لَا يَحِقُّ تَعَلُّمُهُ» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۶: ۶۴). آری چنین علمی، زمینه‌ساز شکوفایی و بالندگی است؛ لذا بازآفرینی آن در دانشگاه از این منظر که توانمندی دانشگاه را به ارمغان خواهد آورد، نقش بسزایی در انجام مسئولیتهای خطیر این نهاد نیز خواهد داشت.

۲. جهت‌گیری اسلامی و هویت دینی

اگر دانشگاهی تولید علم کرد و پژوهش و تحقیق به معنای خاص خود در آن به حدّ اعلا وجود داشت، اما دارای جهت‌گیری‌ای بود که با مبانی اعتقادی اسلام همخوانی نداشت، پس فاقد این شاخص است. دانشگاه به مفهوم جدیدی که بعد از رنسانس در دنیا مطرح شده و الان نیز مطرح است، علم‌گرایی به مفهوم علوم تجربی و انسان‌محوری به جای خدامحوری و سکولاریزم را پایه و مبنای اصلی خود قرار داده است. این دانشگاه با این ویژگی‌ها به کشورهای مشرق‌زمین منتقل شده است. این دانشگاه با این مبانی، یک سری موانع برای رشد حقیقی خود دارد؛ در آن علم و تحقیقات و پژوهش هست، اما با انسان، ابزارگرایانه برخورد می‌کند. اما در دانشگاه مسئولیت‌پذیر مورد نظر ما، علم هست، پژوهش هست، اما خدامحوری در آن مطرح است و اندیشه‌های الهی‌گرداننده این

دانشگاه مسئولیت‌پذیر و چشم‌انداز آن در آموزه‌های دینی ♦ ۹۱

دانشگاه است و معنویت و انسانیت محوریت پیدا می‌کند. این چنین است جهت‌گیری اسلامی در دانشگاه مسئولیت‌پذیر. این شاخص زمینه‌ساز دستیابی به نظامی علمی- معرفتی است که بر پایه معارف و جهان‌بینی دینی- اسلامی متحقق می‌شود. این چنین نظامی مورد تأیید و تأکید اسلام عزیز است. در حدیثی از امام صادق (ع) روایت شده است: «مَنْ تَعَلَّمَ لِلَّهِ (عَزَّ وَ جَلَّ) وَعَمِلَ لِلَّهِ وَعَلَّمَ لِلَّهِ، دُعِيَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا، وَقِيلَ: تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَعَمِلَ لِلَّهِ وَعَلَّمَ لِلَّهِ» (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۷)؛ اگر کسی برای خدا دانش بیاموزد و به دیگران تعلیم دهد و علم را برای خدا به مرحله عمل برساند، در ملکوت آسمانها بزرگ شمرده می‌شود. این حدیث پرمحتوا به روشنی معنای جهت‌گیری اسلامی علم و دانش را در دانشگاه مشخص می‌کند. امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: «آن چیزی که دانشگاه را بارور می‌کند، که برای ملت و کشور مفید است، آن عبارت از محتوای دانشگاه است نه درس... تخصص ما ادای ایمان فساد می‌آورد... اگر ایمان با تخصص نباشد؛ تخصص، مضر است.» (امام خمینی، ۱۳۶۲: ۱۴۷)

از طرفی، هویت دینی دانشگاه نیز تنها به معنای عرضه چند درس معارف اسلامی، حضور چند روحانی، برگزاری چند سمینار و کنفرانس پیرامون مسائل اسلامی و اخلاقی نیست؛ بلکه وجود و حضور فضای دینی در دانشگاه و دانشگاهیان است که چون دانشجو در فضای آن قرار گرفت دینداری او عمق می‌یابد، متخلّق به اخلاق اسلامی می‌شود، تعصّب دینی و ملی در او تقویت می‌شود، روحیه آزادگی در وی دمیده می‌شود، دانش سیاسی او ارتقا و حس حرکت سیاسی وی برانگیخته می‌شود. نسبت به مسائل انسانی، ملی و بین‌المللی حساسیت پیدا می‌کند و مخلص کلام، فردی دردمند به تمام معنا و در کلیه ابعاد انسانی می‌شود.

۳. خدمتگزاری

اگر دانشگاه علم داشته باشد، جهت‌گیری اسلامی هم به معنای عامش داشته باشد، ولی فاقد روحیه خدمت‌رسانی به جامعه باشد، دانشگاهی مسئولیت‌پذیر نیست؛ چون دانشگاه، مجموعه‌ای است که علوم روز مورد نیاز یک جامعه را تولید می‌کند و به زندگی دنیوی مردم خدمت می‌رساند. بر این مبنا، دانشگاه مسئولیت‌پذیر، دانشگاهی است که منشور «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده: ۲) را سرلوحه همه فعالیت‌های خود قرار دهد. این اصل به عنوان یکی از برترین اعمال است: «سَيِّدُ الْأَعْمَالِ إِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ وَ مُوَاَسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ وَ ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۴۵)، که وسیله تقرب به خداوند را فراهم می‌آورد: «تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِمُوَاَسَاةِ إِخْوَانِكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱:

(۳۹۱) و در دانشگاه عنصری را پرورش می‌دهد که علم را برای نجات و هدایت خود و جامعه تولید و ترویج می‌کند و به تعبیر مولای متقیان: «مُنْعَلَمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَ هَمَجٌ رَعَاغٌ أَتْبَاعٍ». (مفید، ۱۴۱۳: ۲۴۷)

امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرمایند: «... ما می‌گوییم باید بنیاداً دانشگاهها تغییر بکنند. می‌خواهیم بگوییم که دانشگاههای ما باید در احتیاجاتی که ملت دارند، در خدمت ملت باشند نه در خدمت اجانب...» (امام خمینی، ۱۳۶۲: ۲۱۱). «... ما که می‌گوییم دانشگاه و فرهنگ اصلاح بشود، ما نمی‌خواهیم دانشگاه نباشد، ما می‌خواهیم دانشگاهی باشد که برای ملت و خودمان باشد...» (همان: ۱۴۲)

لذا اگر این مولفه بنیادین، را از دانشگاه بگیریم، دانشگاه به یک جزیره جدای از جامعه و یک مجموعه‌ای که اصلاً خودش را در دل جامعه و مردم نمی‌بیند، تبدیل می‌شود، همین دانشگاه ممکن است خود را در نقطه مقابل مردم ببیند و به عنوان ابزاری برای سرکوب کردن نقش ایفا کند. ممکن است دانشگاه به عنوان مجموعه دانشگاهی سرکوب‌کننده نباشد، اما فکر دانشگاهی، فکر پرورش یافته در دانشگاه، به جای خدمت و کمک و همخوانی با جامعه در نقطه مقابل و متضاد با جامعه قرار گیرد که این آفت، دانشگاه را از اسلامی بودن و اسلامی شدن دور می‌کند.

ج) شاخصهای چشم‌انداز دانشگاه

۱. دانایی

همان‌طور که از معنای لفظ دانشگاه برمی‌آید، دانشگاه محل دانش است و دانایی نیز در معنای آن مستتر است. دانایی، مهم‌ترین و مؤثرترین سلاح انسانها و راز بقای جوامع و تمدن بشری است. گسترش روزافزون مرزهای دانایی برای تواناسازی هر چه بیشتر انسانها، نهاد دانشگاه را از شاخص‌ترین نهادهایی نمایان ساخته است که این مهم را برعهده دارند (صفایی فخری، ۱۳۸۸: ۱۴۰). درآموزه‌های حیات‌بخش اسلام عزیز، دانایی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ تا جایی که خداوند، منشأ و خالق این ارزش اسلامی است. این مفهوم از آیاتی همچون: «أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۳۱) و «إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ» (انعام: ۸۳) قابل برداشت. در کلام امیر سخن، حضرت علی (ع)، دانایی تا این اندازه ارزشمند است که ارزش هر کس به مقدار دانایی‌اش معرفی شده است (نهج البلاغه: حکمت ۸۱)؛ ترک و وانهادن آن، معادل با هلاکت امت و جامعه بیان شده است: «هَلَاكُ رِجَالِ أُمَّتِي فِي تَرْكِ الْعِلْمِ» (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۸۳) و تا زمانی که دانایی مبنا و محور باشد، مایه حیات و بقا خواهد بود: «اَكْتَسَبُوا الْعِلْمَ يُكْسِبِكُمْ الْحَيَاةَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۶۳). لذا با در نظر داشتن جایگاه این مفهوم در نظام ارزشی اسلام و

دانشگاه مسئولیت‌پذیر و چشم‌انداز آن در آموزه‌های دینی ♦ ۹۳

رابطه این مفهوم با علم و دانش، لازم و ضروری است اولین شاخص چشم‌انداز دانشگاه مسئولیت‌پذیر نیز با الهام از نظام تعلیم و تربیت اسلام، در مسیر اجرای رسالت خویش، صبغه الهی داشته باشد و در تمامی ابعاد و ارکان، مزین به ارزش والای دانایی باشد. برای تحقق آرمان متعالی شدن، نه تنها باید عملکردش مبتنی بر دانایی باشد، بلکه باید خود به عنوان بهترین الگو و سرچشمه دانایی، با خلق فرهنگ خرد جمعی، جریان مستحکمی از دانش و حکمت را در جامعه پدید آورد. در غیر این صورت، چنانچه این نهاد مبتنی بر دانایی نباشد، هیچ‌گاه نخواهد توانست رسالت حقیقی خویش را ایفا کند. در این راستا، شاخص دانایی‌محوری به عنوان مهم‌ترین شاخص چشم‌انداز دانشگاه مزین به ارزشهای اسلامی به شمار می‌آید. برای محقق شدن این مهم لازم است موجباتی فراهم آید تا این مؤلفه متعالی، در دانشگاه محقق شود. اما برآستی چه راهبردی تحقق این شاخص از چشم‌انداز دانشگاه را میسر می‌سازد؟ با بیانی روشن‌تر؛ مهم‌ترین اقدام برای دستیابی و ایجاد فرهنگ فرزاندگی و دانایی در دانشگاه کدام است؟

برای دریافت پاسخ، لازم است به آموزه‌های حیات‌بخش اسلام عزیز- که رسالت خود را هدایت بشر می‌داند- رجوع کرد. این مهم در کلامی گهربار از پیامبر اکرم(ص) که رحمه‌للعالمین است، قابل برداشت است؛ آنجا که در مقام توصیه تمسک به قرآن کریم، تمسک به قرآن و شناخت آن را به عنوان راه دستیابی به فرزاندگی، حکمت و دانایی بیان می‌فرماید: «لَهُ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ فَظَاهِرُهُ حُكْمٌ وَ بَاطِنُهُ عِلْمٌ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَهُ نُجُومٌ وَ عَلَى نُجُومِهِ نُجُومٌ لَا تُخْصَى عَجَائِبُهُ وَ لَا تُبْلَى عَرَائِبُهُ فِيهِ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَ مَنَارُ الْحِكْمَةِ وَ دَلِيلٌ عَلَى الْمَعْرِفَةِ لِمَنْ عَرَفَ الصِّفَةَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۵۹۹) این کلام پرمحتوا دلالت بر این دارد که قرآن کریم در بر دارنده مفاهیم ارزشمندی است که شناخت این مفاهیم و آموزه‌های الهی، راه دستیابی به دانایی، علم و حکمت می‌باشد. همین مضمون، از سوره‌های ص: ۲۹؛ عنکبوت: ۴۹ و ابراهیم: ۵۲ نیز قابل برداشت است. لذا با در نظر داشتن و تأمل در این آموزه‌های حیات‌بخش، می‌توان ادعا کرد که مهم‌ترین راهبرد محقق شدن شاخص دانایی در دانشگاه، انس، تدبیر و شناخت مفاهیم قرآن کریم است؛ چرا که تدبیر در آموزه‌ها و مفاهیم والای قرآن کریم، زمینه‌هایی را فراهم می‌آورد که مسیر کسب دانایی را هموار خواهند کرد. زمینه‌هایی همچون: تعلّم (کهف: ۶۶)، تفکر (انعام: ۵۰)، ایمان به خداوند (نمل: ۸۱-۸۰ روم: ۵۳-۵۲)، آخرت‌اندیشی (ص: ۴۶-۴۵)، رشد (یوسف: ۲۲؛ قصص: ۱۴)، تقوا (بقره: ۲۸۲)، تزکیه و خودسازی نفس (واقعه: ۷۹) و تبعیت و پیروی از دانایان (مریم: ۴۳) از اهم ارزشهایی است که با فراهم آوردن آنها در دانشگاه، مسیر و خط دستیابی به دانایی هموار خواهد شد. البته باید یادآور شد همچنان که در جریان دستیابی به شاخص دانایی، فراهم آوردن تمامی زمینه‌های

مزبور لازم و ضروری است، نبود هر یک از این زمینه‌ها نیز چالش و آفتی در مسیر تحقق این شاخص در دانشگاه مسئولیت‌پذیر را در پی خواهد داشت.

اما اینکه تحقق شاخص دانایی در دانشگاه چه ثمره‌ای خواهد داشت؛ قرآن کریم ثمره دانایی را این‌گونه بیان می‌فرماید که دانایی و حکمت، شناخت و ایمان حقیقی به خداوند را به ارمغان می‌آورد: «إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلَّذِقَانِ سُجَّدًا» (اسرا: ۱۰۷). لذا تحقق این مفهوم ارزشی در دانشگاه، روح ایمان حقیقی را در دانشگاه و جامعه حاکم خواهد کرد. در حقیقت؛ دانایی در درجه نخست، اعتقاد همراه با شناخت و ایمان بر مبنای اندیشه و بصیرت را به ارمغان می‌آورد و ثمره دانایی هم چیزی جز این ایمان حقیقی نیست. همچنین از دیگر آثار پربرکت تحقق این شاخص، می‌توان به تقویت روح وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری اشاره کرد؛ چراکه دانایی تکلیف‌آور است. هر چه انسان بیشتر بداند و بتواند، مسئولیتش سنگین‌تر است. دانایی و توانایی، زمینه‌ساز مسئولیت انسان مسلمان است. اگر دانایی دست انسان را نگیرد و به نجات نرساند، وبال گردن است و مایهٔ بدفرجامی. خسارت از آن کسی است که چیزی نمی‌داند و خسران‌زده‌تر، کسی است که می‌داند، ولی عمل نمی‌کند. در این باره، پیامبر خدا (ص) ابوذر غفاری را این‌گونه نصیحت فرمودند: «ای ابوذر! در قیامت گروهی از بهشتیان به اهل دوزخ رو کرده، می‌پرسند: ما به کمک تعلیمها و آموزشهای شما و در سایه تأدیب و تربیت شما به بهشت وارد شدیم؛ پس چرا شما خودتان به دوزخ افتادید؟ می‌گویند: «ما به خیر دعوت می‌کردیم، ولی خودمان اهل عمل نبودیم» (طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۴۵۳).

البته از دیدگاه کلام وحی، علل و عواملی مانع تحقق این شاخص از چشم‌انداز دانشگاه هستند که از جمله آنها می‌توان به موانعی همچون: ناآگاهی و اندیشه جاهلانه (روم: ۵۹)، تعجیل و شتابزدگی در داوری (اسرا: ۱۱)، موضع‌گیری نادرست در برابر اندیشه‌های نوا (مؤمنون: ۶۸)، اسطوره‌گرایی (انعام: ۲۵)، حق‌ستیزی و لجاجت در پذیرش امور (انعام: ۲۵)، تعصب و وفاداری به آرای پیشینیان (لقمان: ۲۱)، دروغ‌پردازی (جاثیه: ۸-۷)، گناه‌پیشگی (اعراف: ۱۰۰) و توجه و علاقه به مادیات (آل عمران: ۱۴) اشاره کرد.

۲. توانایی

منظور از توانایی دانشگاه، تقویت و ارتقای سطح تجربه و دستیابی به قوهٔ خلاقیت و ابتکار در ساختن و فراهم آوردن امکانات مادی در جهت رشد دانشگاه و جامعه است. اصولاً فلسفهٔ استقرار دانشگاهها نیز برای همین است که انسان توفیق آن را بیابد که از مواهب و امکانات بی‌حد و حصری که خداوند بزرگ در طبیعت آفریده، در جهت بهبود زندگی و بهتر زندگی کردن بهره‌برداری کند. به قسمی که می‌بینیم و می‌دانیم، مللی که زودتر به این حقیقت پی برده و دانشگاههای مجهز برای خود

دانشگاه مسئولیت‌پذیر و چشم‌انداز آن در آموزه‌های دینی ♦ ۹۵

تهیه کرده‌اند، چگونه از مزایای آن مستفیض می‌شوند و چگونه در پشت دیوار مستحکم شده دانشگاه‌های خود، سیادت و برتری خود را تأمین و تحمیل می‌کنند (راد، ۱۳۴۳: ۱). در مقام تبیین ضرورت شاخص توانایی و توانمندی برای نهادی که رسالت الهی را برعهده دارد، یادآور می‌شویم که قرآن کریم صفت توانایی را از صفات خداوند معرفی می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره: ۲۰)؛ «إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید: ۲۵) و پس از مفهوم ارزشمند دانایی، توانایی و توانمندی را به عنوان ملاک و معیار شایستگی معرفی می‌فرماید. این مفهوم از آیه ۲۴۷ بقره قابل برداشت است؛ آنجا که خداوند کریم دو صفت دانایی و توانایی حضرت داوود (ع) را عامل شایستگی و برگزیدن ایشان بر مردم قومش معرفی می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ». آیه شریفه دلالت بر این دارد که قدرت علمی و توانایی، باعث برگزیدن و اصطفا‌ی حضرت داوود (ع) بر سایرین است و خداوند این صفات را به عنوان ملاک برتری و شایسته بودن ایشان نسبت به سایرین معرفی فرموده است. (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ج ۶: ۵۰۵)

با در نظر داشتن اهمیت و جایگاه ویژه توانایی در اسلام، این مؤلفه به عنوان دومین شاخص از چشم‌انداز دانشگاه مسئولیت‌پذیر، هدفی مهم و ضروری است. همچنین آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (الأنفال: ۶۰) به عنوان منشور لزوم فراهم آوردن قدرت و توانایی همه‌جانبه، ضرورت این شاخص چشم‌انداز دانشگاه را برای ما بیان می‌دارد. امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: «اگر دانشگاه‌ها خالی از مردانی دانشمند و متخصص شوند، اجانب منفعت‌طلب چون سرطان در تمام کشور ریشه دوانده و زمام امور اقتصادی و علمی ما را به دست می‌گیرند و سرپرستی می‌کنند». (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۲۲-۲۱)

در این شاخص چشم‌انداز، هدف تخلیق دانشگاه به صفت‌های خداوند - قدرت و آفرینش - و در مسیر دستیابی به این هدف والا، خدامحوری، مبنا و اصل احراز این هدف است؛ چرا که خداوند مقتدر و توانا، منشأ حقیقی اعطای توانایی و توانمندی است: «إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ» (هود: ۶۶). سعدی شیرین سخن این معنا را در این بیت به تصویر می‌کشد که:

جایی نرسد کس به توانایی خویش الا تو چراغ رحمت داری پیش

در حقیقت؛ این شاخص نتیجه ترکیب دانایی و تعاون خواهد بود. اگر در دانشگاه، دو عامل دانایی و تعاون به درستی با یکدیگر ترکیب شوند، نتیجه مسلم و منطقی آن، توانایی خواهد بود که در برابر آن، بسیاری از چالش‌ها و نگرانی‌های موجود که ناشی از ضعف و ناتوانی دانشگاه و جامعه علمی ماست، کم‌رنگ خواهد شد. این شاخص، ضامن و زمینه‌ساز اقتدار، بالندگی، رشد مادی و معنوی

جامعه اسلامی است. البته در مسیر تحقق این شاخص از چشم‌انداز، لازم است راهبردهای توانایی دانشگاه را از دیدگاه آموزه‌های اسلامی دریابیم و با اعمال این راهبردها، به این ارزش الهی دست یابیم. با مد نظر قرار دادن آموزه‌های دین مبین اسلام، به خصوص آیات قرآن کریم، می‌توان اولین راهبرد دستیابی به توانایی دانشگاه را تولید و ترویج علم و دانش بیان کرد. قرآن کریم گویای این مهم است که علم و دانش، عامل اصلی توانایی و قدرت است. چنانچه این پیام از آیه ۴۰ سوره نمل، قابل برداشت است؛ این سوره به طرح داستان حضرت سلیمان و ملکه سبا می‌پردازد و بیان می‌دارد وقتی حضرت سلیمان از سایرین درخواست می‌کند که چه کسی قادر است تحت ملکه سبا را برایم بیاورد، قرآن کریم درباره این عمل خارق‌العاده می‌فرماید: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ». آیه مذکور به این مهم اشاره دارد که حتی بهره‌مندی بخشی از علم، توانایی و توانمندی قابل ملاحظه‌ای در دارنده آن به وجود می‌آورد؛ تا جایی که با استفاده از نیروی خود در طرفه‌العینی عمل خارق‌العاده‌ای انجام می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۴۲۱). بر این اساس، علم و دانش را می‌توان مهم‌ترین زمینه دستیابی به توانایی به شمار آورد. اساساً می‌بینیم که در آموزه‌های اسلامی، علم و توانایی به عنوان دو مؤلفه توأم با هم معرفی شده‌اند؛ به این معنا که علم همراه با قدرت است و قدرت همراه با علم و اصلاً می‌توان ادعا کرد که علم و قدرت عین یکدیگرند؛ علم، عین قدرت است و قدرت، عین علم. لذا از دیدگاه قرآن کریم هر دو به شکل واحد موجود هستند: «عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى» (النجم: ۵). از این رو، هر کس، هر اندازه سهم و بهره بیشتری از علم داشته باشد، قانون جهان را بهتر می‌داند و به تبع، بر قدرتش نیز افزوده می‌شود.

تواناست بر دانش خویش دانا / نه داناست آنکو تواناست به زور (ناصرخسرو)

از دیگر عواملی که با تدبیر در آموزه‌های اسلامی می‌تواند راهبرد دستیابی به توانایی دانشگاه قلمداد شود، برخورداری از معرفت و شناخت صحیح است. خداوند در قرآن، از پیامبر (ص) می‌خواهد که مؤمنان را تشویق به جنگ با کفار کرده، به آنان وعده پیروزی بر کفار را دهد؛ به سبب اینکه مؤمنان از شناخت صحیحی برخوردارند. ولی کافران، صاحب خرد نیستند و لذا در برابر مؤمنان شکست می‌خورند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» (أنفال: ۶۵). اما سر اینکه شناخت صحیح چگونه به مؤمن، قوت و اقتدار می‌بخشد، این است که مؤمنان با تکیه بر این اندیشه صحیح و این تفکر که هر اقدامی که انجام می‌دهند، نیروی خداوند- که هیچ نیروی دیگری معادل آن نبوده و در برابر آن تاب مقاومت نمی‌آورد- پشتیبان آنان است، آنان را با شهامت و دارای استقامت و آرامش قلب

دانشگاه مسئولیت‌پذیر و چشم‌انداز آن در آموزه‌های دینی ♦ ۹۷

بار می‌آورد. به خلاف کسانی که اتکایشان همه بر هوای نفس و اعتمادشان همه بر ظواهری است که شیطان در نظرشان جلوه می‌دهد و معلوم است دل‌هایی که تمام اعتمادشان بر هوا و هوس است، هرگز متفق نمی‌شوند و اگر هم احیانا متفق شوند، اتفاقیان دائمی نخواهد بود. بسیار نادر است که دلی بی‌ایمان تا پای جان بر سر هواهای خود پایدار بماند و این نیست مگر به خاطر فقه و معرفت مؤمنان که خود علم و ایمان را در بر دارد و به خاطر جهل کفار که خود ملازم با کفر و هوی‌پرستی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۱۶۲). این آیه شریفه برای ما به صورت کاملاً واضح و آشکار، این اصل را بازگو می‌کند که آگاهی و معرفت از عوامل حقیقی، احراز توانایی است و همین اصل، نقش مهم و اساسی در توانمندی دانشگاه نیز ایفا می‌کند؛ به این معنا که در دانشگاه، آگاهی و بصیرت نسبت به اهداف و ارزشها، روح استقامت و پایداری - که ثمرهٔ درخت ایمان است - را تقویت می‌کند. پایداری و استقامت دانشگاه در مسیر دستیابی به این اهداف و ارزشها، نقش برجسته و مؤثری دارد که در نتیجهٔ آن، این نهاد می‌تواند با غلبه بر سختی‌ها و مشکلات، روز به روز بر قدرت خود و جامعه بیفزاید. درست در جهت عکس، عدم آگاهی از ارزشها و اهداف مقدسی که دانشگاه رسالت آن را در جامعه بر عهده دارد، روح استقامت و پایداری را از کف خواهد گرفت و با تسلیم شدن در برابر ضد ارزشها، نتیجه این خواهد شد که دانشگاه به عنصری بیمار و به ضعف و ناتوانی گرفتار می‌شود.

از دیگر عواملی که از دیدگاه آموزه‌های اسلامی زمینهٔ دستیابی به توانایی دانشگاه را فراهم می‌آورد، اتحاد و همبستگی است. اتحاد و یکپارچگی و دوری از اختلاف و تفرقه، از دستورات اکید الهی است که در آیات متعدد قرآن کریم به آن فرمان داده است: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَكُلًّا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (أنفال: ۴۶). آیه شریفه مسلمانان را به اتحاد فرا می‌خواند و از پراکندگی برحذر می‌دارد؛ چرا که تفرقه و نزاع به اختلاف و سستی می‌انجامد و نتیجهٔ این سستی و فتور، از میان رفتن قدرت و قوت است. همین مضمون نیز از آیه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَكُلًّا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳) قابل برداشت است. از آنجا که دانشگاه، نهادی است که در بطن جامعه قرار دارد و در شرایط گوناگون نقش کانونی در جامعه ایفا می‌کند، لازم است این اصل مهم را سرلوحهٔ خود قرار داده، خود به عنوان محور وحدت در جامعه، همگان را به رعایت این اصل مهم سوق دهد. وحدت کلمه در این نهاد، نیرومندی دانشگاه و به تبع آن، وحدت و عزت جامعه را در پی خواهد داشت و در نقطهٔ مقابل، پراکندگی و تفرقه در این رکن حیاتی جامعه، شوکت و نیروی دانشگاه و جامعه را از بین خواهد برد. در حقیقت؛ رعایت این اصل مهم، ضامن توانایی دانشگاه است و در خلاف، وانهادن آن مانعی در مقابل توانایی این نهاد.

پس از بیان عوامل دستیابی به توانایی، شایسته است آثار نیرومندی دانشگاه نیز ذکر شود که در این نوشتار به سبب حفظ اختصار کلام، به صورت گذرا به آنها اشاره می‌شود. از مهم‌ترین آثار توانمندی دانشگاه می‌توان به بهره‌گیری از مواهب و امکانات بی‌حدّ و حصری که خداوند بزرگ در جهت بهبود زندگی و بهتر زندگی کردن در طبیعت آفریده، اشاره کرد که این مهم با تکیه بر تولید علم نافع و کاربردی کردن علوم محقق خواهد شد. نتیجه دیگری که از قدرتمندی دانشگاه به دست می‌آید، حفظ و حراست از حقوق جامعه است (آل عمران: ۷۵). همچنین توانایی این نهاد نقش بسزایی در اجرا و تحقق عدالت دارد که این مهم نیز از آیه ۲۵ سوره حدید قابل برداشت است. محبوبیت (بقره: ۱۶۵)، حفظ و صیانت از تعالیم و آموزه‌های دینی (بقره: ۶۳؛ اعراف: ۱۴۵) نیز از دیگر دستاوردهای دانشگاه توانا و توانمند است. البته آثار و دستاوردهای قدرتمندی دانشگاه تنها در موارد مذکور خلاصه نمی‌شود، بلکه موارد مذکور از اهم آثار می‌باشند که در این نوشتار به آنان اشاره شده است و سایر آثار تحقق این مهم، با تدبیر در آموزه‌های اسلامی قابل برداشت است.

۳. نیکویی

که او ی ست بر نیکویی رهنمای از او ی است گردون گردان به جای (فردوسی)

از جمله مفاهیم ارزشمندی که در آموزه‌های دینی، به خصوص قرآن کریم، مورد توجه و عنایت فراوان قرار گرفته و به آن سفارش شده، انجام نیکی و نیکویی است. درباره اهمیت و ارزش این مفهوم، همین بس که قرآن کریم به طور مکرر مخاطبان خود را به آراسته شدن به این ارزش ترغیب و تشویق کرده، همگان را به اجرای این ارزش فرمان می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰) و کسانی را که به این صفت زینده شده‌اند، مورد ستایش قرار داده، آنان را محسن و محبوب خداوند معرفی کرده، به پاداش دنیوی و اخروی وعده داده است: «فَاتَّاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحَسُنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَجِبُ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران: ۱۴۸). با در نظر داشتن این مفاهیم و نیز از این رهگذر که خداوند سبحان، خود منشأ و خالق حقیقی نیکویی است و دوست می‌دارد عالمیان، نیکی و شایستگی را نصب‌العین خود قرار دهند و نیکوکار باشند: «أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا خَالِقُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ فُطُوْبِي لِمَنْ أُجْرِيَتْ عَلَيَّ يَدَيْهِ الْخَيْرُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۵۴)، دانشگاه اسلامی نیز به عنوان نهادی که رسالت تبلور آموزه‌های اسلامی را در جامعه بر عهده دارد، لازم و ضروری است خود را به نیکی و نیکویی آراسته

دانشگاه مسئولیت‌پذیر و چشم‌انداز آن در آموزه‌های دینی ♦ ۹۹

کند. در مقام روشن شدن ماهیت این شاخص از چشم‌انداز دانشگاه مسئولیت‌پذیر، باید گفت نیکویی دانشگاه به این معناست که دانشگاه نیکو، طالب و خواهان همه خوبی‌ها و فضایل برای خود و جامعه است و به واسطه فطری بودن زیبایی نیکویی، این شاخص شاکله زیبایی عقلی و خیررسانی دانشگاه را به تصویر می‌کشد. در این راستا، باید دوری از همه خصلت‌های ناپسند و آراسته شدن به خوبی‌ها در کنار اصل خیررسانی و بخشندگی، سرلوحه فعالیت‌های این نهاد باشد. امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: «...ما اگر فرض کنیم که دانشگاه ما یا فیضیه ما، علوم را به طور وافر می‌دانند و تدریس هم می‌کنند، لکن فرض کنیم که پرورش روحی و تهذیب نفس و اخلاق در آن نباشد، آیا از این تربیت علمی منهای تربیت روحی و پرورش معنوی برای کشور شما چیزی حاصل می‌شود؟ برای اسلام عزیز و مردم و ملت چه چیزی حاصل می‌شود؟». (امام خمینی، ۱۳۶۲: ۱۴۶)

پس از تبیین جایگاه و اهمیت این بُعد از دانشگاه، دو سؤال مطرح می‌شود:

۱. چه علل و عواملی سبب پیدایش این صفت عالی در دانشگاه می‌شود؟
۲. زیبنده شدن دانشگاه به این صفت، چه آثار و برکاتی را به ارمغان می‌آورد؟

در پاسخ به سؤال اول، قرآن کریم ایمان حقیقی به خداوند مَنان را به عنوان زمینه دستیابی به نیکویی معرفی می‌کند؛ به عبارت دیگر؛ ریشه و منشأ اصلی پیدایش نیکویی را می‌توان در ایمان به خداوند دانست؛ چرا که روح ایمان و باور به رضایت و پاداش خداوند است که ضرورت نیکو شدن را در یک عنصر ایجاب می‌کند. از این رو، انگیزه دوری از ناپسندی‌ها و بدی‌ها و تلاش برای خیررسانی و احسان به وجود می‌آید: «إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ» (صافات: ۸۱-۸۰). بنابر این، تقویت روحیه ایمان در ابعاد و ارکان دانشگاه، به طور مستقیم در نیکو شدن دانشگاه مؤثر است و با تقویت روحیه ایمان است که حقیقت و روح نیکویی به معنای واقعی کلمه در دانشگاه متبلور خواهد شد و در این صورت است که نه تنها نهادی نیکو در متن و بطن جامعه خواهیم داشت، بلکه این نهاد ترویج‌دهنده روحیه نیکویی و نیکو بودن در جامعه خواهد شد.

در پاسخ سؤال دوم نیز با در نظر گرفتن تصویر ارزش و جایگاه این مفهوم در نظام فکری و ارزشی اسلام، آثار و پیامدهای گوناگون اجتماعی، فرهنگی، آخرتی و ... را در حوزه آموزه‌های قرآنی

و روایی بیان می‌دارد که می‌توان اولین اثر آراسته شدن به نیکویی را رضایت و محبوبیت نزد خداوند دانست: «أَحْسِنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (مانده: ۹۳) و هم به سبب اینکه این ارزش مطابق فطرت گرایش به زیبایی‌ها و تحسین است و از لحاظ زیباشناختی، روح لطیف آدمی را به خود جلب و جذب می‌کند، مورد تحسین عموم مردمان قرار می‌گیرد و اقبال و استقبال بیشتر اهل علم و جامعه را نسبت به این نهاد به ارمغان می‌آورد. همچنین از دیگر آثار آراسته شدن دانشگاه به این ارزش، می‌توان به ارتقای منزلت و جایگاه دانشگاه در جامعه اشاره کرد. چه اینکه قرآن کریم، نیکو بودن حضرت یوسف (ع) را سبب اعطای قدرت و منزلت اجتماعی به ایشان معرفی می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوهُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف: ۵۶) و نیز از دیگر آثار بابرکت متخلق شدن به این ارزش، می‌توان به هدایت ویژه و هدایت‌پذیری اشاره کرد: «هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ» (لقمان: ۳). ایجاد دوستی و صمیمیت میان انسانها و همگرایی اجتماعی، از دیگر آثار تحقق این بُعد از چشم‌انداز دانشگاه مسئولیت‌پذیر است: «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت: ۳۴). در این آیه بیان می‌شود که برای برداشتن کینه‌ها و دشمنی‌ها و دوری از واگرایی اجتماعی و دستیابی به همگرایی، احسان و نیکوکاری تا چه اندازه می‌تواند مفید و تأثیرگذار باشد.

همچنین از دیگر آثار نیکویی می‌توان به برخوردار شدن از علم و حکمت (قصص: ۱۴؛ یوسف: ۲۲) و جلب رحمت خاص خداوند (اعراف: ۵۶؛ لقمان: ۳) اشاره کرد.

در مقام بیان مصادیق نیکویی دانشگاه نیز گفتنی است که در آموزه‌های دین مبین اسلام، به خصوص قرآن کریم، موارد فراوانی از مصادیق نیکویی را می‌توان یافت که به صورت مختصر، از مهم‌ترین آنها موارد ذیل قابل اشاره است: خیرخواهی و اصلاح (توبه: ۹۱)، انجام صحیح وظایف و امتثال امر الهی (صافات: ۱۰۵)، اجتناب از فساد و ارتکاب فحشا (اعراف: ۵۶؛ نجم: ۳۲)، جهاد و تحمل سختی‌ها (توبه: ۱۲۰؛ عنکبوت: ۶۹)، عفو و گذشت از لغزشها (آل عمران: ۱۳۴؛ مانده: ۱۳)، دعوت به توحید و مودت اهل بیت (صافات: ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۳۱؛ شوری: ۲۳) و برخورداری از روحیه سازش و مصالحه (نسا: ۱۲۸).

دانشگاه مسئولیت‌پذیر و چشم‌انداز آن در آموزه‌های دینی ♦ ۱۰۱

با تدبّر در آموزه‌های اسلامی درمی‌یابیم که مانع تحقق این شاخص، دو عامل تفاخر و تکبر (نسا: ۳۶) است. در نگرش اسلام و قرآن، تکبر و تفاخر به عنوان مهم‌ترین عوامل واگرایی اجتماعی مورد توجه و نظر بوده و از مردمان خواسته شده است تا از این خصلت‌های پابند؛ خصلت و ویژگی‌ای که موجب شد ابلیس از درگاه ایزد منان رانده شود و بسیاری از انسانها از راه هدایت، دور و دچار گمراهی شوند. قرآن به جای تکبر و تفاخر، از مردمان می‌خواهد تا منش تواضع را به عنوان بستری مناسب برای رشد خصلت نیکویی و همگرایی اجتماعی در پیش گیرند (مائده: ۸۳ و ۸۵). فخر فروشی و تکبر از اموری است که موجب می‌شود تا دانشگاه و دانشگاهیان خود را از دیگری جدا و برتر دانسته، حاضر به همراهی با جامعه نشوند و از این رو، گرفتار نوعی واگرایی اجتماعی شده و از اجتماع دور و از همزیستی و همکاری و مساعدت جامعه دست بشویند؛ که در این صورت، این نهاد نافع از مسیر متعالی و مطلوب خود منحرف می‌شود و دیگر عنصری نیکو نخواهد بود.

۴. زیبایی

زیبا به علم شو که نه زیباست آن کس که او به دیبا زیبا شود (ناصر خسرو)

زیبایی در اسلام از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. دین اسلام، منشأ و حقیقت زیبایی را در عالم هستی، جمال دل‌آرای خداوند می‌داند که همه چیز را به زیور نور جمالش بیآراست: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (نور: ۳۵)؛ خداوند را به زیبایی می‌ستاید و توصیف می‌کند و «جمال» را از نشانه‌های قدرت خدا و از نعمتهای بیکران او نسبت به بندگان می‌داند و آفرینش آسمان و زمین را «زینت» می‌داند: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا...» (کهف: ۷)

با سرلوحه قرار دادن اینکه خداوند، زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد و دوست دارد آثار نعمتش را بر بندگان ببیند: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَىٰ أَثَرَ النُّعْمَةِ عَلَىٰ عَبْدِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۴۳۸) و دیگر اینکه، فطرت انسان طالب زیباخواهی و زیباجویی است، بر این باوریم که دانشگاه مسئولیت‌پذیر به عنوان نهادی که هم ایفای رسالت الهی را بر عهده دارد و هم باید مطابق فطرت الهی و زیبادوستی انسان باشد، لازم است شاخص زیبایی و زیبا شدن را جزء مهم‌ترین اهداف

۱۰۲ ♦ مدیریت در دانشگاه اسلامی ۵

و ارزشهای خود قرار دهد. بر این مبنا، دانشگاه مسئولیت‌پذیر نه تنها شایسته است که زیبا باشد، بلکه باید آینه‌دار زیبایی در جامعه بوده، آن را برای دیگران به تصویر بکشد.

چنان که از آموزه‌های اسلامی برداشت می‌شود، زیبایی به دو دسته ظاهری (مادی) و باطنی (معنوی) تقسیم می‌شود: «حُسْنُ الصُّورَةِ جَمَالٌ ظَاهِرٌ، وَ حُسْنُ الْعَقْلِ جَمَالٌ بَاطِنٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۹۵). به تبع، در این مبحث نیز وقتی از زیبایی دانشگاه سخن می‌رود، منظور زیبایی دانشگاه و دانشگاهیان به هر دو جنبه زیبایی است؛ چه جنبه باطنی و معنوی و چه جنبه ظاهری و فیزیکی.

در نظر گرفتن این شاخص برای چشم‌انداز دانشگاه از اهمیت خاصی برخوردار است و آثار ارزنده‌ای به همراه خواهد داشت؛ از جمله اینکه، تخلیق به زیبایی، در واقع تقویت مبنای الهی بودن و الهی شدن این نهاد است؛ چرا که زیبایی، همواره موجد اندیشه و حرکت به سوی منشأ زیبایی است و از این رو در قرآن کریم بارها توصیه شده است از کنار زیبایی‌های خلقت به غفلت عبور نکنید: «وَأَنْتُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ * تَبْصِرَةً وَ ذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ» (ق: ۸-۷). خواجه شیراز این مفهوم را این گونه بیان می‌کند:

عکس روی تو چو بر آینه جام افتاد عارف از خنده می در طمع خام افتاد
حسن روی تو به یک جلوه که در آینه کرد این همه نقش در آینه اوهام افتاد

امام خمینی (ره) نیز در این زمینه می‌فرماید: «... دانشگاه مرکز سعادت و در مقابل، شقاوت یک ملت است. از دانشگاه باید سرنوشت یک ملت تعیین شود... دانشگاه باید مرکز درست کردن انسان باشد... بنابر این، کار، کار بسیار شریف و مسئولیت، مسئولیت بسیار زیاد است. الان این مسئولیت به دوش ما و شماست. این مسئولیت بزرگ؛ یعنی سعادت ملت را شما و ما باید بیمه کنیم.» (امام خمینی، ۱۳۶۲: ۱۹)

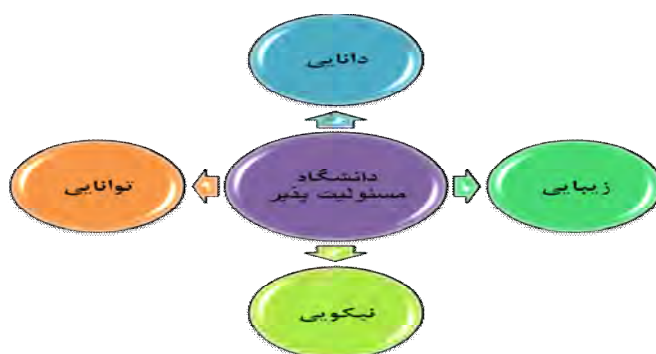
در خصوص موانع پیش روی زیبایی دانشگاه، گفتنی است که موانع تحقق این شاخص چشم‌انداز تا حدودی روشن است؛ چرا که برای فطرت زیادوست و زیباشناس، شناخت زشتی‌ها نیز بدیهی است و آن را نمی‌پسندد و از آن کراهت دارد. در مورد نکوهش زشتی در آموزه‌های دین اسلام، نه تنها از ارتکاب زشتی، بلکه حتی از نزدیک شدن به آن به شدت نهی شده است؛ چه انجام افعال

دانشگاه مسئولیت‌پذیر و چشم‌انداز آن در آموزه‌های دینی ♦ ۱۰۳

زشت و چه ظاهر زشت و ناآراسته. قرآن کریم در آیات: «لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ» (انعام: ۱۵۱) و «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ» (اعراف: ۳۳)، به این مهم اشاره می‌کند. در این آیات، منظور از فواحش، اعمال فوق‌العاده زشت و ناپسند است (ابن منظور، ج ۶: ۳۲۵) و لفظ «ما ظهر» دلالت به افعال ظاهری زشت (طوسی، بی‌تا، ج ۴: ۳۱۵) و لفظ «ما بطن» به زشتی نیت و باطن افعال زشت اشاره دارد (طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۵۹۱). در این آیات، افعال و نیات زشت به عنوان نمودهای‌های زشتی معرفی می‌شوند. چنانچه همین مضمون از آیه «وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنْ الْمَقْبُوحِينَ» (قصص: ۴۲) قابل برداشت است؛ که در این آیه، لفظ مقبوح، به سیما و صورت زشت، کراهت‌بار و منزجرکننده اشاره دارد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۰۲). با توجه به آیات مذکور، موانع زیبایی دانشگاه را می‌توان زشتی‌های باطنی یا همان افعال و نیات نامناسب و ناخوشایند دانشگاهیان دانست که هرگز در شأن و منزلت دانشگاه و زینده اهل علم و عالمان نیست. همچنین محیط‌ها و صحنه‌های زنده و ناخوشایند که در شأن این مکان مقدس نیست از مصادیق زشتی‌های ظاهری در دانشگاه است.

د) نتیجه‌گیری

از آنچه گزارش شد، به دست می‌آید که دانشگاه مسئولیت‌پذیر از سه مشخصه ذاتی یا سه مؤلفه بنیادین هویت علمی، هویت دینی و خدمت‌گزاری برخوردار است و حضور و بروز کامل این سه مؤلفه موجب اطلاق صفت مسئولیت‌پذیری به دانشگاه می‌شود؛ همچنان که عدم وجود آنها دال بر مسئولیت‌گریزی آن است. البته می‌توان به جز مؤلفه‌های مذکور، از مؤلفه‌های دیگری چون: استقلال، تهذیب، تعمق و ژرف‌نگری نیز نام برد، اما این مؤلفه‌ها در سه مؤلفه مذکور مستتر می‌باشند. اگر قرار باشد به شکوفایی علمی اندیشیده شود، مرزهای دانش توسعه یابد و نقشی برجسته و ممتاز پیدا شود، باید دانشگاهی با این ویژگی‌ها وجود داشته باشد و الا تلاش دانشگاه، ابتر و ناقص می‌ماند. کارکرد درونی دانشگاه نیز هر چه که باشد، باید محصول دانشگاه از این سه مؤلفه، تأثیر درونی و شخصیتی و محتوایی یافته باشد. به عبارت دیگر؛ محصول دانشگاه یا همان دانش‌آموختگان، باید افرادی واجد صفات دانایی، توانایی، نیکویی و زیبایی باشند؛ چرا که جریان تعلیم و تربیت در دانشگاه مسئولیت‌پذیر به گونه‌ای است که هر فردی در مسیر آن قرار گیرد، متصف به این صفات می‌شود.



دانشگاه مسئولیت پذیر و چشم انداز آن



منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی.
- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ ق)؛ شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی.
- ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق)؛ تحف العقول، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چ دوم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)؛ لسان العرب، تصحیح جمال‌الدین میردامادی، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چ سوم.
- اسدی، محمدرضا (۱۳۷۵)؛ «دانایی و دینداری و دردمندی»، قبسات، دوره اول، ش ۲.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۲)؛ در جستجوی راه از کلام امام، دفتر بیست‌ویکم، تهران: امیرکبیر.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۹)؛ صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)؛ غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)؛ وسائل الشیعه، قم، آل‌البیت (ع).
- حکیمی، محمدرضا؛ محمد و علی حکیمی (۱۳۸۰)؛ الحیاه، ترجمه احمد آرام، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
- خنیفر، حسین و زینب سادات موسوی (۱۳۹۰)؛ «بایسته‌های دانشگاه فرهنگ‌ساز در هزاره سوم»، دانشگاه اسلامی، ش ۴۶.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ ق)؛ ارشادالقلوب الی الصواب، قم، الشریف الرضی.
- راد، سامی (۱۳۴۳)؛ «سخنی چند درباره دانشگاهها»، مجله وحید، ش ۱۴.
- صفایی فخری، لیلا و محمدرضا بهرنگی (۱۳۸۸)؛ «بهره‌گیری از الگوی مدیریت دانش در توسعه فرهنگ دانشگاه اسلامی»، دانشگاه اسلامی، ش ۴۲.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ پنجم.

۱۰۶ ♦ مدیریت در دانشگاه اسلامی ۵

- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۶۵)؛ مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میرباقری، تهران، فراهانی، چ دوم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مقدمه محمدجواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو، چ سوم.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)؛ مجمع البحرین، تصحیح احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی، چ سوم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)؛ الامالی، قم، دارالتقافه.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)؛ التبیان فی تفسیر القرآن، مقدمه شیخ آقابزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیرعاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد (۱۴۲۰ ق)؛ مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ سوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)؛ الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ چهارم.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)؛ بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ دوم.
- مخبر، محمدرضا و همکاران (۱۳۷۶)؛ «تعریف دانشگاه اسلامی و اولویتهای کوتاه مدت و درازمدت»، مجله دانشگاه اسلامی، ش ۲.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق)؛ الامالی، قم، کنگره شیخ مفید.
- مقیسه، حسین (۱۳۸۴)؛ «از موانع اسلامی شدن دانشگاهها»، مجله دانشگاه اسلامی، ش ۲۷.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)؛ تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی مقدم، سید رحمت الله (۱۳۸۴)؛ «بررسی ضرورت، هویت، مؤلفهها و استراتژی دانشگاه اسلامی در نگاه رهبران انقلاب اسلامی»، دانشگاه اسلامی، ش ۲۷.
- میرزا محمدی، محمدحسن و علی صحبت لوی (۱۳۸۶)؛ «اهداف دانشگاه اسلامی»، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ش ۳۳.

